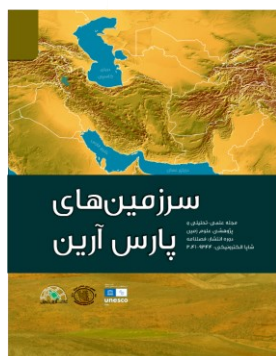


ارزیابی محتوایی و آماری فرم، سبک و گاهنگاری نسبی سنگ‌نگاره‌های هوراند، آذربایجان شرقی

زهرا ابطحی فروشانی^۱، رضا سلمانپور



چکیده

نخستین بارقه‌های مطالعه نقوش صخره‌ای در ایران به سال ۱۳۴۸ در اطراف کوه‌دشت لرستان برمی‌گردد. به سبب اهمیت مطالعه نقوش صخره‌ای در ایران از آن زمان تاکنون مطالعات قابل توجهی از سوی باستان‌شناسان و انسان‌شناسان در خصوص معرفی و شناخت سنگ‌نگاره‌ها در نقاط مختلف ایران انجام شده است، شالوده بیشتر این مطالعات بر پایه معرفی و بررسی نقوش قرار گرفته و کمتر به بحث تاریخ‌گذاری آنها پرداخته شده است. از نکات جالب توجه در تمامی نقوش صخره‌ای در همه موارد علاوه بر یکپارچگی موضوعی و سبک اجرایی، مشابهت در مکان قرارگیری و موقعیت جغرافیایی این آثار است به گونه‌ای که می‌توان گفت اکثر نقوش صخره‌ای در کنار منابع آبی و در اقلیم‌های نیمه‌خشک ویژه‌ای قرار دارند که پوشیده از سنگ‌ها و صخره‌ها است. در بررسی باستان‌شناسی شهرستان هوراند که به درخواست سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۲ به سرپرستی نگارندگان صورت پذیرفت، تعداد ۳۱۰ مکان باستان‌شناسی شناسایی گردید. در میان این آثار، تعداد پنج محوطه دارای نقوش صخره‌ای در دو منطقه قوتانلو و نوقادا شناسایی شد. به سبب اهمیت این آثار نقوش صخره‌ای منطقه مذکور با تأکید بر شناخت بافت تاریخی-فرهنگی این آثار و چگونگی ارتباطشان با دیگر محوطه‌های باستانی بررسی شدند و نظر به مجهول بودن زمان و دلایل ایجاد این نقوش، تلاش شده است با توجه به باستان‌شناسی زمین‌سیمیای منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این پژوهش علاوه بر مطالعات میدانی نقوش از تجزیه و تحلیل محتوایی و آماری نقوش و آثار باستانی هم‌جوار نقوش و مقایسه آنها با دیگر نقوش صخره‌ای استفاده شده است. جهت تاریخ‌گذاری نقوش از مطالعه مقایسه‌ای نقوش و مضامین با دیگر نقوش صخره‌ای نقاط مختلف ایران و تاریخ‌گذاری‌های ارایه شده برای آنها نیز استفاده شد. از نتایج پژوهش می‌توان به تاریخ‌گذاری نقوش در حدود هزاره سوم تا اول ق.م. (عصر مفرغ تا عصر آهن)، کاسته شدن تدریجی نقوش انسانی در طی زمان، ارجحیت نقش بزکوهی در تمام نقوش و افزایش کاربرد سبک خطی نسبت به سبک حجمی در دوران جدیدتر اشاره کرد.

تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱

انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۲/۴

واژگان کلیدی

سنگ‌نگاره،

هوراند،

زمین باستان‌شناسی،

باستان‌شناسی،

آذربایجان

وابستگی نویسنده

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

دانشگاه تهران

استناد: ابطحی فروشانی، زهرا، رضا، سلمانپور (۱۴۰۲). ارزیابی محتوایی و آماری فرم، سبک و گاهنگاری

نسبی سنگ‌نگاره‌های هوراند، آذربایجان شرقی، سرزمین‌های پارس آراین، سال اول، شماره دوم (۶۴-۵۱)

شناسه دیجیتال: 10.61186/jpat.2024.2.3

ناشر: مرکز پژوهشی زمین‌شناسی آراین زمین © نویسندگان.



مقدمه

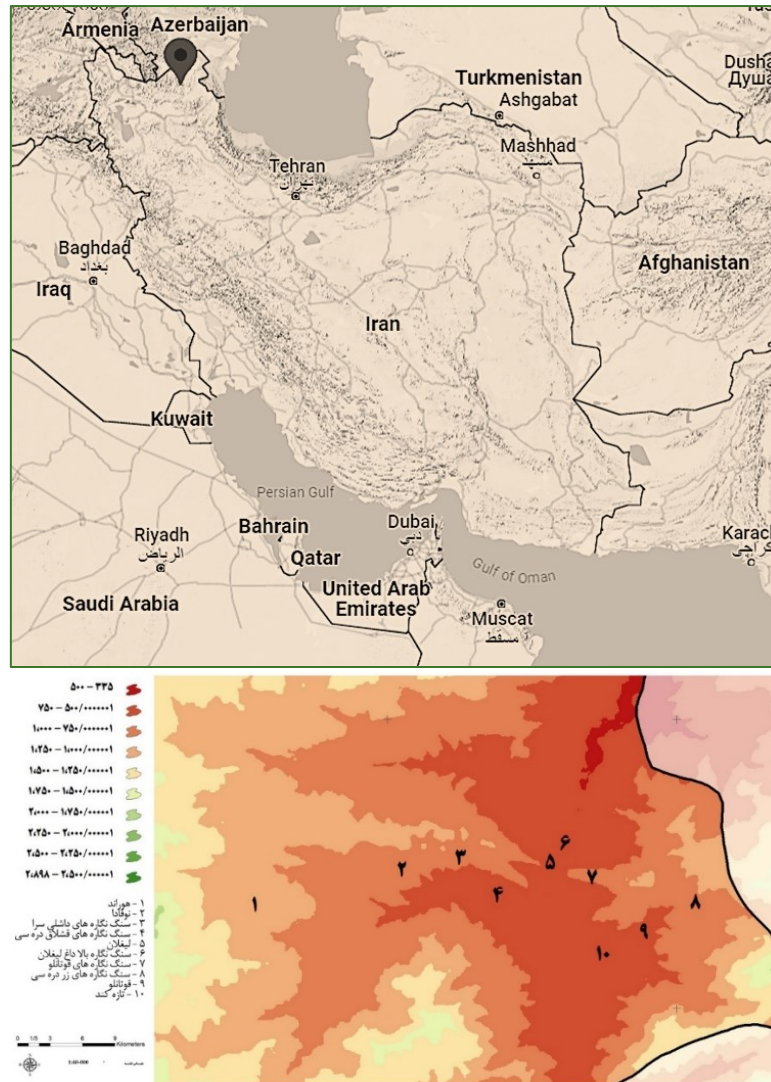
با توجه به فراوانی نقوش صخره‌ای در ایران و گستردگی قابل توجه آن در کشور و نیز اهمیت مطالعه این نقوش در روشن‌سازی و درک هر چه بهتر شرایط محیطی، اعتقادی و فرهنگی خالقان باستانی‌شان، معرفی و بررسی همه جانبه این آثار ارزشمند تاریخی نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نکته قابل توجه در مطالعه نقوش صخره‌ای شباهت این نقوش با نقوش روی سفال‌های دوره پیش از تاریخ در ادوار نوسنگی، مس‌سنگی، مفرغ و آهن است (شکل ۱ و ۲). نخستین بارقه‌های مطالعه نقوش صخره‌ای در ایران در سال ۱۳۴۸ توسط حمید ایزد پناه در اطراف کوه‌دشت لرستان آغاز شد (قسیمی، ۱۳۸۶). به سبب اهمیت مطالعه نقوش صخره‌ای در ایران از آن زمان تاکنون مطالعات قابل توجهی از سوی باستان‌شناسان و انسان‌شناسان در خصوص معرفی و شناخت سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای در نقاط مختلف ایران انجام شده است، شالوده بیشتر این مطالعات اکثراً بر پایه معرفی و بررسی نقوش قرار گرفته است و در این راستا کمتر به بحث تاریخگذاری آنها پرداخته‌اند. یکی از نکات جالب توجه در تمامی نقوش صخره‌ای در همه موارد علاوه بر یکپارچگی موضوعی و سبک اجرایی، مشابهت در مکان قرارگیری و موقعیت جغرافیایی این آثار است به گونه‌ای که می‌توان گفت اکثر نقوش صخره‌ای در کنار منابع آبی و در اقلیم‌های نیمه‌خشک و ویژه‌ای قرار دارند که پوشیده از سنگ‌ها و صخره‌ها است (کریمی، ۱۳۸۶). طی پروژه بررسی و شناسایی شهرستان هوراند در سال ۱۳۹۲ تعداد حدود ۱۲۰۰ عدد نقش صخره‌ای از ۵ محوطه باستانی در این منطقه توسط هیئت اعزامی مورد شناسایی قرار گرفت، با توجه به تکرار نقش بزکوهی در تعداد زیاد در تمام این محوطه‌ها، در تجزیه و تحلیل نقوش شاخص، شامل تنوع موضوع نقوش و نقوش خاص از هر محوطه انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. از نخستین و مهمترین مطالعات صورت گرفته بر روی نقوش صخره‌ای در منطقه مورد بحث می‌توان به پژوهش جلال‌الدین رفیع‌فر بر سنگ‌نگاره‌های اهر و هوراند در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد، همچنین سنگ‌نگاره‌های منطقه ناسر که تقریباً در حاشیه رودخانه قره‌سو، در جنوب شهرستان قرار گرفته در سال ۱۳۹۲ توسط کیومرث کریمی طی پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعه شده است (کریمی، ۱۳۹۲). در نوشتار حاضر سعی بر آن است تا علاوه بر معرفی و بررسی نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته هوراند و مقایسه آنها از لحاظ سبکی و موضوعی با دیگر نقوش صخره‌ای، از طریق بررسی باستان‌شناسی زمین‌سیمی منطقه این آثار و مطالعه محوطه‌های باستانی مجاور آنها تا شعاع ۳ کیلومتری، با توجه به بافت کوهستانی منطقه و ارتباطات مشکل مناطق همجوار با توجه به صعب‌العبوری منطقه، تاریخگذاری نسبی در خصوص نقوش صخره‌ای منطقه ارائه‌گردد.

منطقه مورد بررسی

شهرستان تازه تأسیس هوراند یکی از شهرستان‌های شمالی استان آذربایجان شرقی است. این شهرستان کوهستانی در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرق تبریز و ۵۲ کیلومتری شمال اهر واقع شده است. هوراند با مساحت ۱۶۷۰ کیلومتر مربع، از لحاظ موقعیت جغرافیایی سیاسی از شمال و غرب به کلیبر، از جنوب به اهر و از شرق به مشکین‌شهر استان اردبیل محدود می‌شود. مرکز این شهرستان، شهر هوراند، در ارتفاع ۱۱۱۰ متری از سطح آب‌های آزاد واقع شده است. شهرستان هوراند در منطقه کوهستانی ارسباران قرار گرفته، که ارتفاعات آن دارای جهتی شرقی- غربی و دارای قله‌های مرتفع و برف‌گیر و دره‌های عمیق است (خاماچی، ۱۳۷۰). هوراند در بخش مرتفع قراداغ قرار گرفته است. معروف‌ترین کوهستان آن هشتادسر یا هشته‌سر است که در شمال واقع شده و ۲۹۰۸ متر ارتفاع دارد. از دیگر ارتفاعات مهم این منطقه می‌توان به یلی یورت (۲۱۲۴ متر)، ارتفاعات قلعه‌سی (۱۲۳۰ متر) و نوروز گوزای (۱۲۲۶ متر) اشاره کرد (هویدا، ۱۳۵۲). دره‌های عمیق و کوهستان‌های بلند و مرتفع و صخره‌ای، سراسر این منطقه را پوشانده است و رودخانه‌های فصلی علی‌آباد، ویرقلعه‌سی چای و سیلین‌چای از رودخانه‌های مهم منطقه محسوب می‌شوند که در این میان تنها رودخانه سیلین چای به ارس می‌ریزد و رودخانه‌های دیگر به قره‌سو منتهی می‌گردند (هویدا، ۱۳۵۲ و عبدی، ۱۳۷۹) (نقشه ۱).

به طور کلی نقوش صخره‌ای هوراند تنها در شرق شهر هوراند در ارتفاعی بین ۸۰۰-۵۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد و در فاصله ۱۴-۵ کیلومتری شهر هوراند قرار گرفته‌اند. مشخصه اصلی تمامی این محوطه‌ها همچون دیگر نقوش صخره‌ای ایران، قرارگیری آنها بر روی تپه‌ماهورهای طبیعی و شیب ملایم کوه‌های منتهی به دره‌های رودخانه‌های فصلی و دائمی است. تمامی این کوه‌ها دارای شیب شمال-جنوبی هستند و نقش‌ها نیز

اکثراً در جهت جنوبی سنگ‌ها و روبه سوی آفتاب در پنج محوطه با وسعت‌های متفاوت از ۳ هکتار تا ۱۱ هکتار نقش شده‌اند. نکته قابل توجه در تمامی نقوش صخره‌ای، الگوی تقریباً یکسان و مشابه هنر صخره‌ای بر سنگ‌ها و صخره‌ها از لحاظ مفهوم و شکل ظاهری (شامل سبک‌ها و نقش‌مایه‌ها) است. علاوه بر شباهت‌های موضوعی و مفهومی سنگ‌نگاره‌ها، به لحاظ مکانی و موقعیت جغرافیایی نیز این آثار مشابه یکدیگرند. در بیشتر موارد مکان نقوش صخره‌ای شناسایی شده، اقلیم‌های نیمه‌خشک ویژه‌ای است که پوشیده از سنگ‌ها و صخره‌ها است (کریمی، ۱۳۸۶). از اینرو سنگ‌نگاره‌های هوراند نیز هم از لحاظ موضوعی، مفهومی و هم از لحاظ موقعیت مکانی از دیگر نگارکندها تبعیت می‌کنند (نقشه ۱).



شکل ۱: موقعیت هوراناند در نقشه ایران

مواد و روشها

بررسی و مطالعه نقوش سنگ‌نگاره‌ها

نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه هوراناند به طور کلی شامل سه نقشمایه حیوانی، انسانی و برخی علائم و نشانه‌های خاص است. از میان این نقوش تصاویر حیوانی ۹۵ درصد نقوش را به خود اختصاص می‌دهد. نقوش انسانی و نقوش نمادین و علائم خاص در مقایسه با نقوش حیوانی به تعداد کم در میان نقشمایه‌ها قابل مشاهده است. البته به سبب تخریب و فرسایش شدید سنگ‌ها برخی از نقوش انسانی و علائم نمادین به طور کامل

قابل شناسایی و بررسی نیستند، به این علت شناسایی برخی نقوش با ابهام و تردید مواجه است. از لحاظ موضوعی نیز بیشتر شامل صحنه‌های انفرادی و دسته‌جمعی بزهای کوهی (پاژن)، در برخی صحنه‌ها همراه انسان و برخی حیوانات دیگر (سگ، قوچ، شتر، آهو، گوزن؟) و نشانه‌های نمادین می‌شود. نکته حائز اهمیت در این نگارندها به تصویر کشیدن نقوش در دوره‌های مختلف زمانی بر روی یک سنگ است که این مسئله در برخی سنگها با میزان تخریب و فرسایش نگاره‌ها و تغییرات رنگی ایجاد شده در آنها به وضوح قابل مشاهده است. این موضوع نشان‌دهنده قدمت و اهمیت فزاینده این مناطق از لحاظ اعتقادی و آیینی در ادوار گوناگون است.

تمامی سنگ‌نگاره‌های منطقه هوراند بر روی سنگ گرانبست سیاه ایجاد شده که جزء فراوانترین سنگ‌ها در این منطقه است، نکته حائز اهمیت در خصوص این نگارندها، انتخاب تنها برخی مناطق جهت ایجاد نقشمایه‌ها است. از لحاظ تکنیک اجرایی، نگاره‌های مذکور همچون بیشتر نقوش صخره‌ای ایران از روش پتروگلیف (کنده‌کاری) استفاده شده است. به سبب فرسایش و تخریب بالای نقوش نمی‌توان به طور دقیق در خصوص ابزار به‌کاررفته جهت ایجاد نقوش اظهار نظر کرد، ولی با دقت در چگونگی خلق نقشمایه‌ها احتمالاً بیشتر از ابزارهای سنگی در ایجاد نقوش استفاده شده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴). همچنین آفرینندگان این نقوش در به تصویر کشیدن نگاره‌ها از دو سبک خطی و حجمی بهره‌جسته‌اند.

نقوش حیوانی

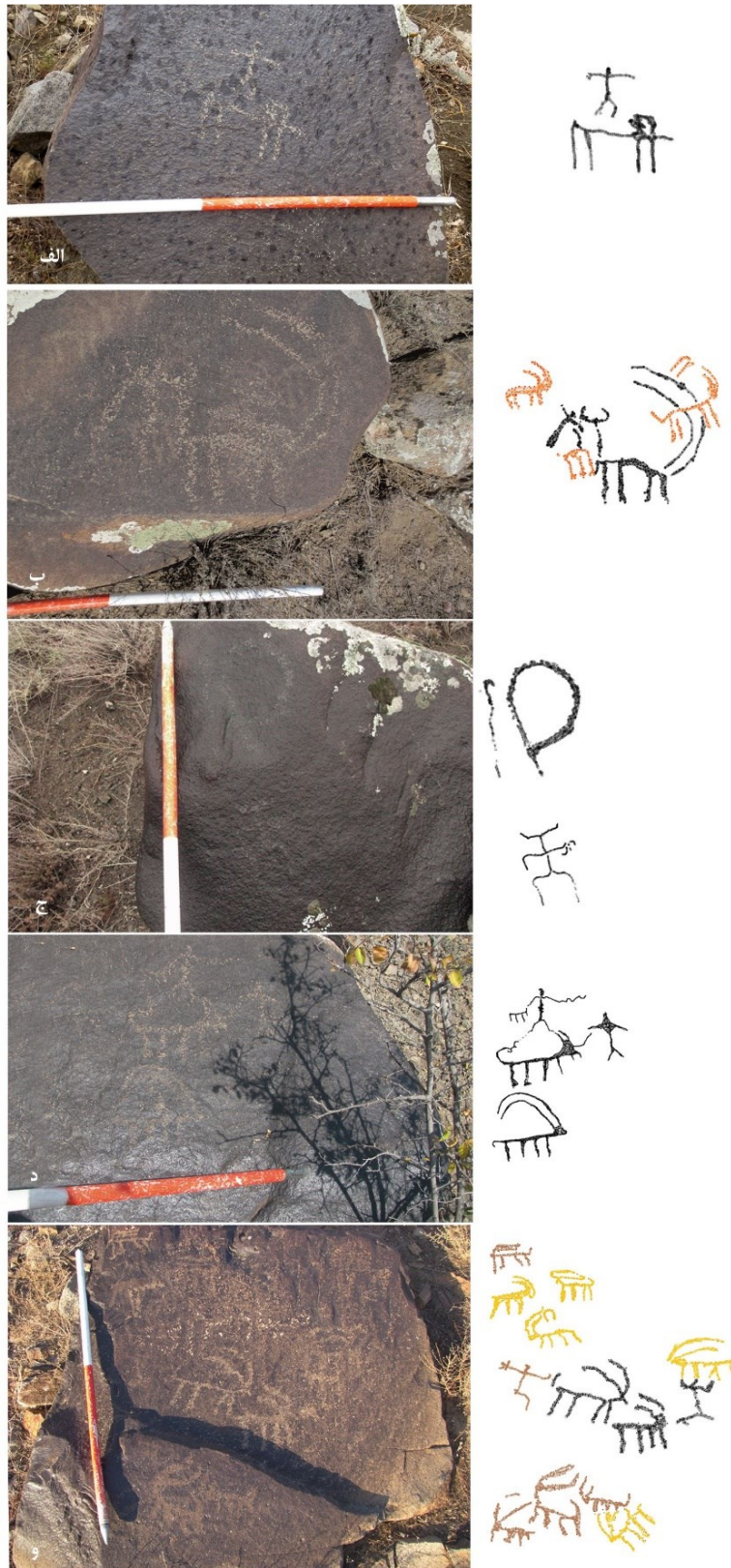
اصلی‌ترین نقش حیوانی در سنگ‌نگاره‌های نوقادا، لیقلاق و قوتانلو، نگاره بز کوهی (پاژن) است. این نقشمایه که به وفور در سنگ‌نگاره‌های هوراند به صورت گروه‌های دسته‌جمعی و منفرد، در اندازه‌های متفاوت و در حالت سکون و حرکت قابل مشاهده است، دارای مشخصات تصویری همچون نمونه‌های مشابه در دیگر مناطق ایران چون اهر، مشکین شهر، همدان، اورامان، میمند و غیره است. تمامی بزهای به تصویر درآمده در این منطقه دارای سبکی استیلیزه با شاخ‌های کمانی بلند و هلالی کوتاه‌تر و به ندرت شاخ‌های کمانی گره‌دار بلند هستند. دم پاژن در دو اندازه کوتاه پیچ‌خوردو بلند اکثراً رو به سمت بالا نشان داده شده، در برخی موارد نیز دم بزکوهی با زاویه‌ای نود درجه به سمت بدن جانور کشیده شده است (شکل ۲).

در تمامی سنگ‌نگاره‌های منطقه هوراند بدن پاژن اکثر به شیوه خطی با یک خط نازک و یا یک خط پهن و بندرت به صورت حجمی نشان داده شده است. به طور کلی هنرمندان این نگاره‌ها جهت به تصویر کشیدن پاهای جانوران از چهار خط عمودی ساده در اندازه‌های متفاوت گاه کشیده و بلند و گاه کوتاه بهره‌جسته‌اند (شکل ۳). حالت نشان دادن پاهای حیوانات در برخی صحنه‌های این نگاره‌ها به گونه‌ای است که القاکننده حرکت است، در این تصاویر هنرمند جهت نیل به این هدف پاهای جانور را از حالت عمود مطلق خارج کرده و با ترسیم مورب یک یا هر چهار پای جانور بیننده را به سمت این مفهوم هدایت کرده است. گاهی نیز جهت ترسیم بدن جانوران به این حالت قوت می‌بخشد. برای ترسیم بزکوهی چه در صحنه‌های گروهی و چه در صحنه‌های منفرد بیشتر رو به سمت راست نشان داده شده است و بندرت بزهای کوهی مقابل هم به تصویر درآمده‌اند. در میان ۱۲۲ عدد از نقوش حیوانی بررسی شده، نقش بز کوهی حدود نود درصد را به خود اختصاص داده است. از دیگر حیوانات موجود در سنگ‌نگاره‌های مذکور می‌توان به نقش آهو، قوچ، شتر و سگ اشاره کرد. همچنین در میان این نقوش حیوانی، تصویر دو حیوان که به سبب فرسایش شدید به طور کامل قابل شناسایی نیست، وجود دارد که در مقاله حاضر به عنوان حیوانات نامشخص معرفی شده‌اند.

آهو: در برخی سنگ‌نگاره‌های نویافته هوراند نقش حیوانی وجود دارد که از لحاظ سبک اجرایی بسیار شبیه بز کوهی ترسیم شده است ولی به سبب تفاوت اندک در نمایش شاخ‌ها و شباهت بیشتر اینگونه شاخ‌ها با شاخ آهو در مقاله حاضر این نگاره به عنوان نقش آهو معرفی شده است. شاخ این حیوان در سنگ‌نگاره‌های مذکور کوتاه‌تر از شاخ بزها و به صورت انحادار نشان داده شده است. دم این حیوانات نیز بیشتر به سمت پایین کشیده شده‌اند (شکل ۵).



شکل ۲: انواع نقوش صخره ای با اشکال حیوانی بز در هوراند



شکل ۳: انواع نقوش صخره ای با اشکال حیوانی بز در هورانند با تنوع در نگاره شاخ



شکل ۴: انواع نقوش صخره‌ای با اشکال حیوانی بز و قوچ در هوراند

قوچ: این نگاره از لحاظ ظاهری تفاوت اندکی با نقشمایه بز کوهی دارد که در نوع ترسیم شاخ به صورت شاخ‌های کوتاه زاویه‌دار و نمایش خطی راست در زیر چانه به عنوان ریش دیده می‌شود و فقط در سه نگارکند قوتانلو با دمی کوتاه به تصویر درآمده است (شکل ۵).

شتر: یکی از قابل توجه‌ترین نقوش حیوانی در نقوش صخره‌ای هوراند با توجه به اقلیم منطقه، نقش شتر است که تنها در دو نگارکند نوقادا قابل مشاهده است. در این منطقه تصویر چهار شتر، یکی بر روی تکه سنگی جداگانه و سه تای دیگر بر روی تخته سنگی دیگر در کنار هم نقش شده‌اند. نقش این حیوان که به سبک خطی اجرا شده با دمی تقریباً بلند رو به سمت پایین، کوهانی بیضی شکل و توخالی، سری کوچک و گوش‌هایی کوتاه نشان داده شده است. در یکی از این صحنه‌ها دو شتر به همراه یک انسان (احتمالاً شتربان) در مقابل آنها در بالا و انسانی سوار بر یک شتر در پایین به تصویر درآمده است (شکل ۲ج).

سگ: در نقوش صخره‌ای داشلی‌سرا و قوتانلو به حیوانی با جثه‌ای کوچک، گوش‌هایی کوتاه و دمی بلند و رو به پایین بر می‌خوریم که از لحاظ ظاهری مشابه سگ می‌باشد. این نقش به طور کلی در سه صحنه نشان داده شده است. در دو صحنه در قوتانلو نقشمایه مذکور همراه چند بز کوهی و در یک صحنه همراه یک علامت ویژه ترسیم شده است (شکل ۵).

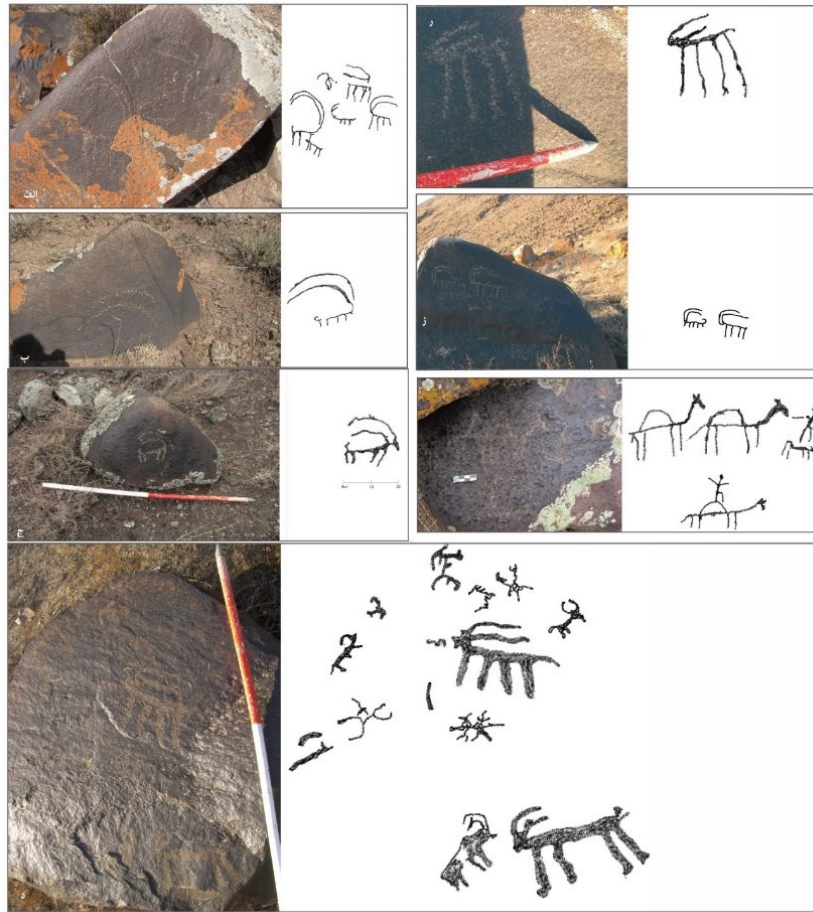
گوزن: در یکی از سنگ‌نگاره‌های نوقادا تصویر حیوانی (احتمالاً گوزن) وجود دارد که دارای پاهایی بلند، پوزه‌ای کشیده و شاخ‌هایی کوتاه و شاخه شاخه است. بر پشت این حیوان انسانی با دستان باز به صورت ایستاده نشان داده شده است (شکل ۶). در سنگ‌نگاره‌های داشلی‌سرا و نوقادا نقش دو حیوان وجود دارد که به سبب فرسایش بالا و هوازدگی به طور کامل قابل شناسایی نیست. در صحنه‌ای در سنگ‌نگاره‌های داشلی‌سرا نگاره جانوری همراه انسان و بزهای کوهی نشان داده شده است. بر روی این جانور که به سبک خطی ترسیم شده و دارای بدنی کشیده، دمی بلند و پیچ‌خورده به سمت بدن است، انسانی به صورت ایستاده وجود دارد (شکل شماره ۶). به علت فرسایش شدید در این بخش، اطلاعات بیشتری در خصوص دیگر جزئیات پیکر جانور از جمله پاها و گوش‌ها نمی‌توان استخراج کرد. نحوه نمایش بدن، دم بلند و پیچ‌خورده و سر کوچک جانور تا حدودی شبیه نقش پلنگ است، که این مساله به سبب نوع اقلیم منطقه و پوشش جانوری آن دور از ذهن نیست. در صحنه‌ای از نقوش صخره‌ای نوقادا تصویر جانوری با دمی بلند رو به سمت بالا، پاهایی تقریباً بلند و گوش‌هایی بیضی شکل توخالی مشابه خرگوش نشان داده شده است (شکل ۶).

نقوش انسانی

در سنگ‌نگاره‌های نوقادا و قوتانلو ۱۲ مورد نقش انسان در صحنه‌های مختلف شناسایی شد، البته احتمال وجود تعداد بیشتری نقوش انسانی در این منطقه وجود دارد که به دلیل فرسایش شدید سنگ‌ها و قدمت زیاد نقوش، برخی نقش‌های انسانی به طور کامل قابل شناسایی نیست و تنها در برخی سطوح رد میهمی از آنها برجای مانده است. چنانچه پیش از این نیز جلال‌الدین رفیع‌فر در توصیف برخی سنگ‌نگاره‌های لقلان (دره جبران و تازه کند قوتانلو) به نقوش مبهم انسانی در منطقه اشاره کرده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴). تمامی نقوش انسانی منطقه نوقادا و قوتانلو به جز یک مورد از روبرو و به صورت تمام‌رخ و بیشتر به شکل ایستاده روی حیوان و یا پیاده در حالت‌های مختلف نشان داده شده‌اند. در ایجاد نقوش انسانی بیشتر از شیوه خطی جهت نمایش اندام انسانی بهره جسته‌اند با این تفاوت که گاه از خطوط نازک‌تر و گاه از خطوط پهن‌تر استفاده کرده‌اند. به طور کلی نقوش انسانی در این مناطق به صورت کاملاً استیلیزه و تنها با استفاده از چند خط جهت نمایش اندام کلی و دست‌ها و پاها استفاده شده است. در این خصوص تنها در دو مورد جهت نمایش اندام انسانی از شیوه حجمی بهره جسته‌اند. یکی از این نقوش حجمی که در نوقادا قرار دارد، نشان‌دهنده سه انسان برهنه به صورت ایستاده و دست‌ها و پنجه‌هایی باز به همراه بز کوهی است که به جهت میزان بالای فرسایش نقش، شاید یکی از قدیمی‌ترین نقوش منطقه نیز محسوب‌گردد (شکل ۶).

در سنگ‌نگاره‌های منطقه هوراند، بر خلاف بسیاری از نقوش صخره‌ای ایران همچون نقوش صخره‌ای ارگس همدان (بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۱)، فراهان اراک (پوربخشنده، ۱۳۸۶)، اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶) و غیره که دارای صحنه‌های مختلف شکار توسط انسان است، در این منطقه تنها نقوش صخره‌ای که بیانگر صحنه شکار است، سنگ‌نگاره‌ای در محوطه داشلی‌سرا نوقادا است، که انسانی را به صورت نشسته و از نیم‌رخ

سوار بر حیوانی(شاید بز) با نیزه‌ای در دست به دنبال یک بز کوهی نشان داده است. این نقش نیز همچون نگارکند دیگری در نوقادا به صورت حجمی به تصویر کشیده شده است(شکل ۲ و ۳). در مابقی نقوش صخره‌ای این منطقه، نگاره انسان به صورت سواری ایستاده یا پیاده در پنج حالت کلی با دستانی کاملاً باز، هر دو دست رو به بالا، و هر دو دست رو به پایین، یک دست بالا و یک دست پایین و در یک دست شیء نیزه‌مانند نقش شده است. در دو نمونه نیز سرپوشی شاخ‌مانند بر سر این نقشمایه وجود دارد. در برخی از این نگاره‌ها تصویر انسان در کنار و یا سوار حیوانات دیگر چون بز کوهی، شتر و تعدادی حیوان نامشخص، به تصویر در آمده است. همچنین در نگارکندی در داشلی‌سرا نوقادا این نقشمایه در کنار علائم ویژه‌ای نقش شده است.



شکل ۵: انواع نقوش حیوانی در سنگ نگاره های هوراند، شکل پایین به عنوان نماد آهو معرفی شده است.

در مابقی نقوش صخره‌ای این منطقه، نگاره انسان به صورت سواری ایستاده یا پیاده در پنج حالت کلی با دستانی کاملاً باز، هر دو دست رو به بالا، هر دو دست رو به پایین، یک دست بالا و یک دست پایین و در یک دست شیء نیزه‌مانند نقش شده است. در دو نمونه نیز سرپوشی شاخ‌مانند بر سر این نقشمایه وجود دارد(شکل شماره ۲۲)، در برخی از این نگاره‌ها تصویر انسان در کنار و یا سوار حیوانات دیگر چون بز کوهی، شتر و تعدادی حیوان نامشخص به تصویر در آمده است. همچنین در نگارکندی در داشلی‌سرا نوقادا این نقشمایه در کنار علائم ویژه‌ای نقش شده است.

علائم و نشانه‌های نمادین

این نقش‌ها که گاه به صورت جداگانه و گاه در صحنه‌هایی همراه با نقوش انسانی و حیوانی وجود دارند، به سبب فرسایش شدید و تخریب بالا قابل شناسایی نیستند(شکل‌های ۳ تا ۶).

زمین‌سیمای باستانی منطقه

به سبب ماهیت اصلی (اعتقادی-آیینی) بیشتر محوطه‌های دارای نقوش صخره‌ای در ایران، بر روی سطح اینگونه محوطه‌ها اکثراً هیچگونه داده فرهنگی قابل تاریخگذاری توسط به‌وجودآوردندگان باستانی‌شان بر جای نمانده است، به این دلیل یکی از بهترین روش‌ها جهت درک معنادار سنگ‌نگاره‌های هر منطقه و در نتیجه تاریخگذاری نسبی نقوش صخره‌ای، مطالعه آنها در بافت تاریخی-فرهنگی‌شان است. در این بخش جهت نیل به این هدف به مطالعه زمین‌سیمای باستانی منطقه و بررسی محوطه‌های باستانی موجود تا شعاع سه کیلومتری از نقوش صخره‌ای نوقادا و قوتانلو پرداخته شد.

سنگ‌نگاره‌های هوراند در یک راستای شرقی-غربی در منطقه‌ای به طول تقریبی ۹ کیلومتر در شمال شهر هوراند قرار گرفته‌اند (نقشه شماره ۳). این منطقه به دلیل وجود رودخانه قره سو و رودخانه‌های فصلی دیگر چون علی‌آباد از هزاره ۴ ق.م. تاکنون زیستگاه اقوام مختلف باستانی بوده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته در منطقه مذکور محوطه‌های استقراری قابل توجهی از عصر مس سنگی تا دوران اسلامی بخصوص قرون میانی اسلامی (قرون ۸-۵ ه.ق.) وجود دارد، اما آنچه که در این استقرارها با توجه به مضامین و سبک سنگ‌نگاره‌های نوقادا، قوتانلو و لیقلان اهمیت دارد، وجود گورستان‌ها و قلعه شهرهای عصرمفرغ تا عصر آهن در فاصله ۲۰۰-۲۰۰۰ متری نقوش صخره‌ای است. یکی از مهمترین قلعه‌شهرهای هزاره دوم ق.م. در این منطقه که از سنگ‌نگاره‌های قوتانلو ۲۰۰ متر و از سنگ‌نگاره‌های معدن (بالا داغ) ۳۰۰ متر فاصله دارد، محوطه شهری آلاصندل است. بر اساس داده‌های سطحی، این محوطه از هزاره دوم ق.م. تا هزاره اول ق.م. (عصر مفرغ-آهن) مورد استفاده قرار گرفته است (سلمانپور، ابطحی فروشانی، ۱۳۹۲). نظر به وسعت محوطه (حدود ۳۲ هکتار)، آلاصندل یکی از مهمترین قلعه‌شهرهای عصر مفرغ-آهن در این منطقه است که با توجه به نزدیکی این محوطه با نقوش صخره‌ای قوتانلو و معدن احتمال ارتباط این قلعه شهر با سنگ‌نگاره‌های منطقه به عنوان مکانی آیینی قوت می‌یابد. به طور کلی در محدوده جغرافیایی مورد بحث ۸ محوطه استقراری و گورستان متعلق به عصر مفرغ تا آهن شناسایی گردید. از استقرارهای قابل توجه منطقه سنگ‌نگاره‌ها، تعداد ۱۴ استقرار کوچک و بزرگ دوران تاریخی است. طبق بررسی‌های صورت گرفته در این محدوده جغرافیایی تا فاصله ۱۲ کیلومتری تنها یک اثر از هزاره چهارم ق.م. مشاهده گردید.

گاهنگاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها

یکی از ابهامات اصلی در مطالعه سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای، بحث گاهنگاری این آثار ارزشمند تاریخی است. به طور کلی باستان‌شناسان جهت تاریخگذاری نقوش صخره‌ای در سراسر جهان از دو روش سالیابی مطلق و نسبی استفاده می‌کنند. روش‌های علمی تاریخ‌گذاری هنر صخره‌ای؛ شامل شیوه‌های آزمایشگاهی معمول از جمله: رادیو کربن، پتاسیم آرگن، ترمولومینسانس، سری اورانیوم، مطالعه بلورهای سنگ، بررسی رسوبات روی سنگ (مواد معدنی، مواد آلی و لایه‌های آتشفشانی) است. از شیوه‌های تاریخ‌گذاری نسبی نیز می‌توان به مطالعه باستان‌شناسی در پهن‌دشت جغرافیایی آثار، مطالعه مردم‌شناسی و مردم‌نگاری، مطالعه زیست‌بوم و موقعیت محیطی آثار به لحاظ پوشش گیاهی و جانوری، مطالعه و مقایسه نقشمایه‌ها و نگاره‌ها، مطالعه سبک‌ها و شیوه‌های ایجاد نگاره‌ها و وجود خط و نوشته (پهلوی، عربی، فارسی) (با توجه به اینکه خط می‌تواند در دوره‌های قبل یا بعد به نقش اضافه شده باشد) اشاره کرد (کریمی، ۱۳۸۶). در نوشتار حاضر سعی بر آن شده تا از تمامی روش‌های سالیابی نسبی در کنار هم جهت تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های منطقه هوراند استفاده گردد. نقوش صخره‌ای هوراند از لحاظ سبک، محتوا و موضوع تا حدودی قابل مقایسه با برخی از نقوش صخره‌ای مناطقی چون سنگ‌نگاره‌های سونگون و دایمیخ‌اهر (رفیع‌فر، ۱۳۸۴)، نقوش دوز داغی اهر (Kazempur, et al, 2011)، نقوش صخره‌ای شهربری (هورشید، ۱۳۸۶) اورامان (قسیمی، ۱۳۸۴)، خره‌هنجیران‌مه‌باباد (پدرام، ۱۳۴۶)، نقوش دشت توس خراسان (بختیاری شهری، ۱۳۸۸)، نقوش غار کرفتو (قسیمی و دیگران، ۱۳۹۲)، نقوش روستای عقربلو اذربایجان غربی (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۹)، نقوش رنگی هومیان لرستان (افشاری و باشتنی، ۱۳۹۹)، نقوش فراهان اراک (پوربخشنده، ۱۳۸۶)، اورامان کردستان (قسیمی، ۱۳۸۶)، جنوب کوهستانی قزوین (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶) و ارگس سفلی همدان (بیک محمدی و دیگران، ۱۳۹۱) است (جدول شماره ۱).

در نهایت با توجه به شباهت‌های موجود با نقوش مناطق دیگر و باستان‌شناسی پهن‌دشت اطراف نقوش، نظر به تعدد استقرارهای دوران مفرغ تا اواخر عصر آهن در حومه نقوش صخره‌ای هوراند، به نظر می‌رسد می‌توان همین بازه زمانی را برای ایجاد و استفاده احتمالاً آیینی از این نقوش،

پیشنهاد داد. در نهایت جهت گاهنگاری مطلق این نقوش باید به سوی روش‌های علمی فوق حرکت کنیم. گر چه نقوش صخره‌ای هوراند از لحاظ سبک ایجاد نقوش و برخی موضوعات بخصوص در نشان دادن موضوعات حیوانی قابل مقایسه با نقوش صخره‌ای مناطق اهر، اردبیل، همدان، اورامان و مهاباد است، ولی این شباهت بدون در نظرگیری زیرساخت‌های تاریخی-فرهنگی‌ای که هر کدام از سنگ‌نگاره‌های مذکور در آن خلق شده‌اند از لحاظ علمی کاری بیهوده است. با توجه به آنچه بیان شد نقوش صخره‌ای هوراند چه از لحاظ سبکی و موضوعی و چه از لحاظ بافت تاریخی-فرهنگی تا حدودی قابل مقایسه با نقوش صخره‌ای شهریری است. نکته حائز اهمیت در نقوش صخره‌ای هر دو منطقه همجواریشان با محوطه‌های عصرمفرغ تا آهن است (هورشید، ۱۳۸۶). چنانچه پیشتر نیز بیان شد در تمامی این سنگ‌نگاره‌ها تصویر بز کوهی محور اصلی اکثر صحنه‌های حیوانی است. به سبب ارتباط تنگاتنگ زندگی بشر گذشته با این حیوان از دوره نوسنگی تا هزاره اول ق.م. نقش آن بر بیشتر مصنوعات مختلف قابل مشاهده است. پس از این زمان نیز در دوران تاریخی با وجود کمرنگ‌تر شدن نقش بز در کنار دیگر نقوش حیوانی، همچنان تصویر آن بر روی بسیاری از مصنوعات ساخت دست بشر، چون سفال نقش بسته است (شکل ۱). از این جهت در منابع مختلف به نقش اساطیری بز در گذشته به عنوان نمادی از آبادانی، فراوانی، آب، ماه و غیره اشاره شده است (حاتم، ۱۳۷۴).

در بحث تاریخگذاری نقوش صخره‌ای یکی دیگر از مسائل قابل توجه تک‌دوره‌ای و یا چند دوره‌ای بودن نقشمایه‌ها است. از اینرو با توجه به مقدار فرسودگی نقشمایه‌ها و تغییر رنگی بوجود آمده به سبب روند فرسایش در طول ادوار مختلف زمانی، احتمالاً برخی سنگ‌نگاره‌های منطقه نوقادا، لیقان و قوتانلو، در چندین دوره زمانی به تصویر کشیده شده‌اند، که این مسئله گاه بر روی سنگ‌های جداگانه و گاه بر روی یک سنگ نشان داده شده به صورتی که نقوش یک دوره بر روی نقوش دوره پیشین ایجاد شده که این مسئله سبب تخریب هر چه بیشتر نگاره کهن‌تر شده است. ایجاد نقوش در چند دوره زمانی بر روی سنگ‌های این محوطه‌ها حاکی از اهمیت فرهنگی و آیینی این مناطق در ادوار مختلف آفرینش آنان است. لازم به ذکر است بین سبک نقوش در دوره‌های مختلف زمانی تفاوت چندانی وجود ندارد تنها تفاوت کم‌شدن نقوش انسانی نسبت به دوران پیشین است که این خود نشان‌دهنده کم‌شدن اهمیت نقوش انسانی نسبت به قبل است. بر اساس مباحث یادشده و با توجه به سبک بسیار ساده و ابتدایی نقوش و محوریت نقش بز بر روی نقوش صخره‌ای هوراند که یکی از مهم‌ترین نقوش حیوانی مصنوعات دوره پیش از تاریخی و دوران تاریخی است و نیز با در نظر گرفتن، واقع شدن محدوده نقوش در جوار یا در میان محوطه‌های بزرگ استقراری و تدفینی عصرمفرغ تا عصر آهن و بافت تاریخی-فرهنگی نقوش صخره‌ای هوراند، این آثار در درجه اول متعلق به عصرمفرغ تا عصر آهن و در درجه دوم متعلق به دوران تاریخی هستند.

بحث و نتیجه گیری

از میان سنگ‌نگاره‌های نوقادا که در حدود سه کیلومتری جنوب شرق روستای نوقادا واقع شده‌اند، ۴۱ عدد سنگ‌نگاره مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. تعداد ۳۰ نقش حیوانی شامل؛ نگاره بز به صورت صحنه‌های دسته‌جمعی در ۱۴ مورد و بزهای کوهی منفرد در ۱۳ مورد و نیز شتر در ۲ مورد به صورت دسته جمعی و منفرد و یک مورد شاید سگ، مشاهده گردید. علاوه بر نقوش حیوانی که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند، چهار مورد نقش انسانی نیز در این محوطه شناسایی گردید، که سه عدد از آنها سوار بر شتر (۱ مورد) و بز (۲ مورد) نشان داده شده‌اند و یک مورد که شامل صحنه‌ای متشکل از سه انسان برهنه در کنار یک بز است، به تصویر درآمد است. با توجه به کمیت و مضامین نقوش به‌ویژه نقوش حیوانی، در بیشتر موارد نقش بز، کارکرد اساسی این حیوان اسطوره‌ای در باورها و اعتقادات مذهبی ساکنان و با اطمینان بیشتر در اقتصاد معیشتی اهالی منطقه، مشهود است. در محوطه داشلی‌سرا واقع در ۱/۵ کیلومتری شرق روستای نوقادا (نقدی) تعداد ۳۶ سنگ‌نگاره مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت که نقوش حیوانی حدود ۹۰ درصد نقشمایه‌ها را به خود اختصاص داده است و بقیه نقوش شامل نگاره‌های انسانی، علائم نمادین و یا صحنه‌هایی ترکیبی از کل مضامین است. نکته قابل توجه در این منطقه ظهور نقش سگ همراه علامتی نمادین در میان دیگر نگاره‌ها است که در سنگ‌نگاره‌های نوقادا مشاهده نمی‌شود. در محوطه داشلی‌سرا بیشتر از تکنیک خطی جهت ترسیم نگاره‌ها استفاده شده است و تنها در چهار مورد از تکنیک حجمی بهره جسته‌اند. در نقوش صخره‌ای داشلی‌سرا افزایش صحنه‌های گروهی حیوانی نسبت به نگاره‌های منفرد جانوری

دیده می‌شود و تنها ۱۰ مورد دارای نقش منفرد بز کوهی است و مابقی شامل صحنه‌های گروهی بز کوهی است. همچنین تنها نقش شکار در سنگ‌نگاره‌های هوراند، در این محوطه قرار دارد، که انسانی سوار با نیزه‌ای در دست را در حال شکار بز کوهی نشان می‌دهد.

در میان محوطه‌های بررسی شده، محوطه زردرسی که در ۲۵۰۰ متری شمال شرق روستای قوتانلو قرار گرفته است، شامل کمترین نقوش صخره‌ای است و تنها ۱۸ نگارکند قابل بررسی در این محوطه شناسایی شد، که تعداد ۱۶ نگاره متعلق به نقوش حیوانی است و تنها دو نقش انسانی در میان نقشمایه‌های حیوانی قابل مشاهده است. همچنین به‌هیچ عنوان نقوش نمادین و علائم ویژه در نقوش صخره‌ای محوطه مشاهده نگردید. از دیگر نکات قابل توجه در سنگ‌نگاره‌های زردرسی افزایش نقوش منفرد حیوانی (۱۱ عدد) بر خلاف دیگر محوطه‌ها در همین منطقه نسبت به نقوش گروهی (۷ عدد) است. در میان ۲۷ سنگ‌نگاره بررسی شده منطقه قوتانلو به طور کلی ۲۲ نگاره حیوانی مشاهده گردید که تعداد نقشمایه بز کوهی (۱۸ عدد) نسبت به دیگر نقوش حیوانی و انسانی دارای بیشترین میزان است.



شکل ۶: انواع نقوش حیوانی مختلف در هوراند

در قوتانلو تعداد سنگ‌هایی که در چندین دوره منقوش شده‌اند نسبت به دیگر مناطق بیشتر است، که تا حدودی نشان‌دهنده اهمیت محوطه می‌باشد. یکی دیگر از نکات قابل توجه در سنگ‌نگاره‌های منطقه افزایش نقوش گروهی (۱۹ عدد) نسبت به نقوش انفرادی است. بیشتر مضامین شامل گروه‌های دسته‌جمعی و یا دو تایی بز کوهی است که در صحنه‌های مختلف به تصویر درآمده است. آنچه از نقوش صخره‌ای هوراند بر اساس بررسی‌های صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت؛ وجود نوعی هماهنگی موضوعی (مضامین نقوش اعم از حیوانی، انسانی و نمادین) و

سبکی (بیشتر خطی، کمتر حجمی) است که در اکثر سنگ‌نگاره‌های منطقه قابل مشاهده است، که این مسئله با توجه به ایجاد نقوش در طی چند دوره زمانی حائز اهمیت است. در نهایت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که؛ یکی از مهم‌ترین نکات موجود در رابطه با سبک نقوش این سنگ‌نگاره‌ها، ایجاد برخی نقوش به سبک حجمی است. هر چند نقوش حجمی در میان نقوش خطی به ندرت مشاهده می‌شود، ولی در نظر گرفتن قدمت بیشتر نقوش حجمی و فرسایش بیشتر آنها، به سبب عوامل مختلف انسانی و محیطی می‌توان چنین استنباط کرد، که استفاده از سبک حجمی در دوره‌های جدیدتر، جای خود را به سبک خطی داده است و از هزاره دوم ق.م. به بعد احتمالاً با کاسته شدن نقش حیوانات از سطح سفالینه‌ها و با توجه به نیاز اعتقادی جهت استفاده از برخی حیوانات و نمادهای آیینی در رابطه با زندگی روزمره و شاید اقتصادزیستی، استفاده از نقوش حیوانی به‌ویژه تصویر بزکوهی به سبب برخورداری از جایگاهی ویژه در طول هزاره‌های متمادی، در دیگر زمینه‌های هنری از جمله؛ نقوش صخره‌ای، اشیاء فلزی و غیره تداوم می‌یابد.

منابع

- افشاری، حسن، باشتنی، مرضیه السادات، "نقوش رنگی تازه کشف شده هومیان و جایگاه در زندگی کوچروهای کوه‌دشت لرستان"، باستان‌پژوه، سال نوزدهم و بیستم، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۳۹۹.
- بختیاری شهری، محمود، "بررسی و مطالعه سنگ نگاره های نویافته دشت توس"، نشریه مطالعات باستان شناسی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، دوره اول - شماره 1 از 21 تا 44.
- بیک محمدی، خلیل‌الله، محسن جانجان، نسرین بیک محمدی " معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر-همدان)"، مجله نامه باستانشناسی، دوره دوم، شماره ۲، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص. ۱۴۰-۱۲۱.
- پوربخشنده، خسرو، "نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان اراک"، فصلنامه باستان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۴۹-۴۶.
- حاتم، غلامعلی، "نقش و نما در سفالینه‌های کهن ایران"، فصلنامه هنر، شماره ۲۸، ۱۳۷۴، ص ۳۶۴-۳۶۸.
- خامچی، بهروز، فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی، تهران، ۱۳۷۰.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، سنگ‌نگاره‌های ارسباران، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۴.
- سلیمی، اسماعیل، صلح‌جو، جمیله، رضایی، ایرج، "مطالعه نقوش صخره‌های عقربلو در شهرستان شاهین‌دژ" باستان‌پژوه، سال نوزدهم و بیستم، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۳۹۹.
- عبدی، یوسف، "بررسی پتانسیل‌های منابع آب و توسعه آن در ارسباران"، مجموعه مقالات نخستین همایش توسعه ارسباران با محوریت تولید اشتغال، ج. دوم. استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۹، ص. ۹۲۹-۹۳۹.
- قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا. "بررسی تطبیقی نگاره بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های شرق و غرب ایران (مطالعه‌ی موردی: سرپیشه و اورامان)". "مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان آن. 1395, 55-89 ,
- قسیمی، طاهر، "اشاره‌ای به پیشینه پژوهش در نقوش صخره‌ای ایران"، فصلنامه باستان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۱۹۰-۱۸.
- قسیمی، طاهر، قسیمی، آقام، قسیمی، سوران، "بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان"، سی و دومین گردهمایی و نخستین گنگره بین‌المللی تخصصی علوم زمین، وزارت صنعت، معدن و تجارت، صص. ۱۰-۱، ۱۳۹۲.
- کریمی، فریبا، "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی"، فصلنامه باستان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۳۴-۲۰.
- کریمی، کیومرث، "بررسی و معرفی سنگ نگاره های منطقه نواسر هوراند (ارسباران)"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، منتشر نشده، ۱۳۹۲.
- گروه مولفین، باستان‌شناسی آذربایجان از دوره اورارتو تا شروع اشکانی، ترجمه محمد فیض‌خواه و صمد علیون، چاپ اول، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۸.

ملاصالحی، حکمت‌الله، سعیدپور، محمد، مومنی، آنوسا، بهرام‌زاده، محمد، "باستانشناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستانی استان قزوین (بررسی و مستند نگاری نقوش صخره‌ای محوطه‌های چلمبر، یازلی و قلیچ کندی"، فصلنامه باستان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۳۵-۴۵.

هورشید، شقایق، "معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (قلعه ارجق)"، فصلنامه باستان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۳، تهران، بهار و تابستان، صص. ۸۴-۸۱. ۱۳۸۶.

هویدا، رحیم، جغرافیای طبیعی آذربایجان، تبریز، ۱۳۵۲.

References

Kazempur, M., Eskandari, N., & Shafizade, A. (2011). The petroglyphs of Dowzdaghi, northwestern Iran. *Documenta Praehistorica*, 38, 383-387.

نَسَبِکِ خَطِّی: در ایجاد نقوش در این سبک با ایجاد خطوط محیطی نقش ایجاد شده است.
سبک حجمی: در ایجاد این نوع از نقوش، کل حجم نقش با ابزار احتمالا سنگی کنده‌کاری شده است.